

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

آیا در اجرای اصالة العموم و تمسک به اصالة العموم فحص از مخصص لازم است یا خیر؟

عرض کردیم که مرحوم آخوند می فرمایند: در اجرای اصالة العموم و در تمسک به اصالة العموم آیا فحص از مخصص لازم است یا نه؟ فرمودند: ما کاری نداریم به موردی که دلیل عام ما تفصیلاً تخصیص خورده، یا به علم اجمالی تخصیص داریم، این از محل نزاع خارج است. نزاع در جایی است که اصلاً مسأله علم اجمالی هم مطرح نیست، ما یک دلیل عامی از طرف مولا وارد شده هیچ مسأله ای در اینکه علم اجمالی به وجود مخصص باشد در کار نیست. می خواهیم ببینیم آیا با توجه به این نکته که ما نه علم تفصیلی داریم و نه علم اجمالی، آیا در عمل به این عام و در تمسک به اصالة العموم در همین دلیل عام، فحص از مخصص لازم است یا نه؟

لذا مرحوم آخوند می فرمایند: کسانی که برای لزوم فحص از مخصص آمدند به علم اجمالی تمسک کردند، می فرمایند: این اصلاً از محل نزاع خارج است و گویا ایشان این تمسک به علم اجمالی برای لزوم فحص از مخصص را دلیل ناتمامی می دانند. دیروز عرض کردیم وجهش را یعنی: اگر کسی به مرحوم آخوند بگوید که خوب شما چرا از راه علم اجمالی وارد نمی شوید تا بگویید علم اجمالی به یک مخصصاتی ما داریم، این علم اجمالی برای ما منجز است و قطعی، و ما به خاطر این علم اجمالی قبل از فحص از مخصص نمی توانیم عمل به عام بکنیم، لذا مرحوم آخوند می خواهند بفرمایند: این علم اجمالی در اینجا منجز نیست، برای اینکه بالاخره نسبت به مخصصات یک قدر متیقن و مشکوک وجود دارد.

حالا ما در شریعت مثلاً صد تا دلیل عام داریم می آییم می گوئیم آقا این صد تا دلیل عام لااقل یقین داریم پنجاه تا از اینها تخصیص خورده خوب اگر پنجاه تا مخصص پیدا کردیم مقدار یقینی برای ما حاصل شد، بقیه می شود مشکوک و باید اصالة البرائه جاری بکنیم فلذا این علم اجمالی در اینجا انحلال پیدا می کند به یک قضیه یقینی یعنی آن مقدار مخصصاتی که دیگر یقین داریم که حتماً عنوان حداقلی را دارد و یک مقدار زائد که مشکوک است در آن اصالة البرائه و اصالة عدم التخصیص جاری می شود.

اعتقاد مرحوم آخوند و اصولیین در این بحث

پس آخوند و یک عده دیگری از اصولیین معتقدند به اینکه در ما نحن فیه یعنی برای لزوم فحص از مخصص لا مجال للاستدلال بالعلم الإجمالي و نمی شود به علم اجمالی استدلال کرد، چون این علم اجمالی انحلال پیدا کرده و در فحص از باب عمل به اصول عملیه هم همین کلام وارد است هیچ فرقی از این جهت بین این دو مقام نیست در نظر مرحوم آخوند.

دفاع و استدلال مرحوم نائینی از این مطلب

اما مرحوم محقق نائینی (قدس سره) از این استدلال دفاع کرده، ایشان می فرماید: برای لزوم فحص از مخصص این دلیل یعنی: علم اجمالی به یک سری از مخصصات دلیل تامی است، بیانی که مرحوم نائینی دارند، بر طبق آنچه که در کتاب فوائد الاصول در جلد اول در همان صفحات 580 به بعد، ایشان عنوان کردند، ابتدا آمدند یک مقدمه ای را ذکر کردند و آن مقدمه این است که می فرمایند علم اجمالی مثل قضیه منفصله مانعة الخلو است، همان طوری که در قضیه منفصله مانعة الخلو آنجا واقعهش دو تا قضیه است، وقتی که شما می گوید زیدٌ إمّا فی الدار و إمّا فی المدرسة، خوب این منحل به دو تا قضیه می شود یکی زیدٌ فی الدار، یکی زیدٌ فی المدرسة اما چون شما نمی دانید کدام یکی از اینهاست این را با إمّا می آورید و به صورت تردید ذکر می کنید، در علم اجمالی هم می فرمایند: علم اجمالی هم منحل به دو تا قضیه می شود شما وقتی دو تا ظرف دارید می گوید علم اجمالی دارم یکی از این دو تا خمر است واقعهش این است که می توانیم بگوییم: هذا المایع خمرٌ و هذا المایع ماءٌ اما چون الان مردد بین این دو تا هستیم، این را به صورت تردید و به صورت علم اجمالی می آییم ذکر می کنیم این مقدمه را.

بعد می فرمایند که در مواردی که دوران بین اقل و اکثر است شما قضیه متیقّنه دارید نسبت به اقل، قضیه دوم شما قضیه مشکوکه است نسبت به اکثر، یعنی افرادی مثل مرحوم آخوند که این استدلال را ناتمام می دانند، در ذهنشان این است که: هر جا علم اجمالی دوران بین اقل و اکثر باشد، اینجا هم باید بگوییم: دو تا قضیه داریم، یکی قضیه متیقّنه نسبت به اقل و دیگری قضیه مشکوکه نسبت به اکثر، فلذا اصالة عدم التخصیص را باید جاری بکنیم. فرمایش نائینی در اینجا است، ایشان می فرمایند: که این علم اجمالی بین اقل و اکثر و دوران بین اقل و اکثر دو گونه است: یک نوع علم اجمالی است که خود علم اجمالی هیچ اصلاتی ندارد و همین اقل و اکثر است، در قضیه متیقّنه و قضیه مشکوکه، وقتی می گوییم واقعهش همین قضیه متیقّنه و مشکوکه است یعنی در قضیه متیقّنه و مشکوکه به مقتضای آنها عمل می کنیم، این علم اجمالی اصالت ندارد یا به تعبیر دیگر منحل شده و از بین رفته.

اما می فرمایند که گاهی از اوقات همین علم اجمالی دوران بین اقل و اکثر، یک عنوان دیگری غیر از این متیقّنه و مشکوکه عنوان دیگری هم داریم، مثال می زنند به اینکه: شما یک وقتی علم اجمالی دارید می دانید به زید بدهکارید، نمی دانید آیا پنج تومان به او بدهکارید یا ده تومان به او بدهکارید اگر همین اندازه باشد این می شود همان قسم اول، یعنی در وجوب اداء دین می گوییم این پنج تومان اقل یقینی است، لذا اصالة البرائة جاری می شود، اما در صورت دوم این است که: شما می دانید به زید بدهکارید، الان علم اجمالی دارید یا پنج تومان به او بدهکارید، یا ده تومان، اما یک دفتر دیون دارید که در آن دفتر دیون شما ثبت کردید مقدار دینی را که به زید بدهکار هستید مرحوم نائینی می فرمایند: اینجا دیگر نمی توانیم بگوییم این علم اجمالی منحل می شود فلذا عنوان دیگری وجود دارد به عنوان ما فی الدفتر، یعنی: شما دیون را در یک دفتری ثبت کردید اما حالا مثلاً مجالی ندارید بروید آن دفتر را بررسی بکنید، می گوید علم اجمالی دارم اجمالاً یا پنج تومان یا ده تومان به این زید بدهکارم، و در آن صورت اول که دین را در دفتر ثبت نکردید نائینی می فرماید آنجا علم اجمالی شما منحل می شود به آن مقدار یقینی، یقینی را باید بپردازید، مقدار زائد می شود مقدار مشکوک و اصالة البرائة جاری می شود.

اما مي فرمايند: در اين صورت دوم که یک ما في الدفتری وجود دارد دين را در دفتر ديون ثبت کردید اینجا تعبيرشان بر حسب آنچه که در فوائد الأصول آمده مي فرمايد: معلوم بالاجمال شما يعني دين یک عنواني دارد و آن دفتر است، اين عنوان نسبتش به اين دو طرف علي السويه است يا اقل يا اکثر و اگر از شما سؤال مي کرديم: اين علم اجمالي نسبتش به اقل و اکثر يکي است يا نه، چه مي فرموديد؟ مي فرموديد: يکي نیست براي اینکه شما وقتي علم اجمالي داريد يا پنج تومان بدهکاريد يا ده تومان اين علم اجمالي نسبت به اقل مي شود علم تفصيلي، نسبت به اکثر شک بدوي مي شود، در آنجا اقل قضيه متيقنه خودش رجحان دارد و خودش في نفسه مقدم است، اما در اين صورت دوم که یک عنوان ما في الدفتر داريم، دفتر و آنچه که در دفتر ثبت شده نسبتش به اقل و اکثر علي السويه است يا ممکن است در واقع اکثر يا اقل ثبت شده باشد.

مرحوم نائيني مي فرمايد: در اين قسم دوم ولو اینکه شما به حسب ظاهر مي گوييد، یک علم اجمالي دارم يا پنج تومان به او بدهکارم يا ده تومان، اما چون یک علم اجمالي ديگري هم داريد، اجمالاً مي دانيد اين مقدار دين هر چه که هست چه اقل چه اکثر، در دفتر هم ثبت شده اگر الان دفتر جلوي روي شما بود باز مي کرديد مقدار دين را مشخص مي کرديد.

پس خلاصه فرمايش نائيني

اين شد، ايشان مي فرمايد: علم اجمالي در دوران بين اقل و اکثر دو نوع است: یک نوعش همين نوع مشهور است که مي گوييم آقا در دوران بين اقل و اکثر اقل يقيني است اکثر مشکوک است نسبت به اکثر اصالة البرائه بايد جاري بشود، اين کجاست؟ آنجايي است که غير از اين علم اجمالي هيچ چيز ديگري در کار نباشد. اما در قسم دوم آنجايي که علم اجمالي است قضيه متيقنه و مشکوک يعني اقل و اکثر هم هست اما معلوم بالاجمال يعني دين یک عنوان ديگري هم دارد عنوانش اين است که در دفتر هم ثبت شده، فلذا مي فرمايند: ما بايد بر طبق آن عنوان ديگر عمل بکنيم و آن عنوان نسبتش به اين اقل و اکثر علي السويه است.

و نهايتاً احتياط لازم است. بعد از اين بيان مي فرمايند ما نحن فيه از همين قسم دوم است به چه بيان؟ با اين بيان که ما در ما نحن فيه یک عمومياتي داريم و علم اجمالي به یک مخصصات هم داريم، اما قضيه اینجا تمام نمي شود، براي اینکه ما مي دانيم اين مخصصات کتب روائي و در کتب اخبار آمده يعني دفتر در آن مثال مثل همين کتب روائي است، وما في الدفتر هم همين مخصصات در اين کتب روائي است. و بعد مي فرمايند ما نحن فيه علم اجمالي دوران بين اقل و اکثر است، اما چون یک عنواني دارد، حالا بگويم عنوان دارد، يا طبق آنچه که در کتاب اجود التقريرات آمده آنجا فرمودند: یک علم اجمالي دومدر کار است، و من اجمالاً مي دانم در کتاب و سنت يا در کتب روائي مخصصات آمده، دفتر هست، ما في الدفتر هم هست نسبت به ما في الدفتر، علم اجمالي دارم پس در اینجا بايد احتياط کنم.

جواب نقضي امام به فرمايش مرحوم نائيني

امام رضوان الله عليه یک جواب نقضي به ايشان دادند فرض کنيد یک جواب حلي خيلي خوب و محکمي که حالا ما جواب ايشان را عرض مي کنيم اما الان در دفاع از نظريه ايشان اگر ايشان الان به شما بگويند شما مي گوييد فرق چيست؟ فرق اين است: وقتي در دفتر ثبت شد نسبت آن دفتر به اقل و اکثر علي السويه است، اما اگر ثبت نشود نسبت علم اجمالي به اقل و اکثر يکي است؟ شما در دفتر نمي توانيد بگويد نسبت دفتر به اقل يقيني است و نسبت به اکثر مشکوک است.

تعبيري که ما داريم عرض مي کنيم اين است که ايشان مي خواهند بگويند وقتي در دفتر ثبت شد نسبت دفتر به اقل با اکثر علي السويه است، شما حالا فرض کنيد که اگر در دفتر یک نذري کرديد، اما نمي دانيد نذر کرديد: نماز بخوانيد يا روزه بگيريد،

خوب اینجا واقع بالآخره در دفتر هست، نسبت آن دفتر به این دو تا می شود علی السویه، آنچه که در ذهن مرحوم نائینی است همین است، حالا شما هم فوائد الاصول و هم اجود التقریرات را ببینید مرحوم خویی (قدس سره) به ایشان اشکال کردند مرحوم خویی که شاگرد مرحوم نائینی (قدس سره) است و بسیاری از نظریات نائینی را مرحوم خویی (قدس سره) تحکیم کردند در علم اصول، اما اینجا این نظریه را رد کردند و هم مرحوم امام (قدس سره) در کتاب مناهج الوصول در جلد آمدند نظریه مرحوم نائینی را هم جواب نقضی دادند و هم جواب حلی که فردا عرض می کنیم انشاءالله. والسلام.